

# امیران و دلیلان قدرت

تندی در حضور جمع و زبان تیز و تند رقیبم و ادارم می کند که از صحنه چشم بیوشم و به روی خود نیآورم. این همه عامل و هر کدام هم با این همه تقاضا و اقتضا طبیعی است که سلوک یک دست و هماهنگی را فراهم نسازد و در یک مورد گرفتار فراز و نشیب و یا در موارد مشابه گرفتار خط مشی های ناهماهنگ بگردم.

تزلزل هم طبیعی است، چون در برابر این همه دعوت تصمیم گیری سنگین است. در برابر این همه فشار انتخاب سخت است.

وابستگی ها و درگیری ها هم طبیعی است، چون در غیبت شخص و با نبود نظارت و جمع بندی، مجموعه پندار و رفتار و گفتار ما از جبر عوامل نفسانی و اجتماعی و زمینه های موافق و مخالف، آزاد نمی شود و از جنبه این نیروهای ریشه دار سر بر نمی آورد. آزادی از این همه اسارت با تعقل و نظارت آغاز می شود و این تعقل و نظارت به اصول محکم و استقامت در اجرا و وحدت اجرا نیاز دارد.

این اصول باید تمامی زندگی و مرگ و روابط و نتایج رازیر پوشش بگیرد. ماهنوز از زندگی والدین خود فاصله نگرفته ایم. ماهنوز به بودن خود توجه نکرده ایم و این بودن را انتخاب نکرده ایم. در نتیجه اگر با خوشی و ملامت همراه باشیم بحرانی نداریم. اما آنجا که مشکلات و شکست ها سر بر می دارد، بحرانی می شویم و به مرگ فکر می کنیم و به دامان آن می آویزیم. این بودن، بودن مانیست، بودن پس مانده و یا بودن مغفول و مغفولی است که اولین بحران متزلزلش می کند. ما زندگی و مرگ را با هدفی نسنجیده ایم و اصلاً چنین هدفی گسترده که بر زندگی و مرگ سایه بیندازد، انتخاب نکرده ایم. که اهداف، اهداف موسمی و خوشایندها و خواش های کوچک است. زندگی، زندگی حقرات است؛ حقرات شادی های احقمانه و رنج ها و غصه های ابلهانه. تا به حال از عاشورا به حکایات و روایات و آثار چشم داشته بودیم. ولی بجاست که به درون آتشفشان عاشورا نزدیک شویم و بر اصولی که بر این آتش عشق و جنون شیدایی حاکم است، توجه نماییم. اصولی که زندگی و مرگ و هجرت و جنگ و رجعت در آخرین لحظه های تهایی را توضیح بدهد و شهادت حسین و اسارت خانواده و آن فوران شیدایی و ابتهاج را تفسیر نماید.

توجه به درون حسین، توجه به این دل بزرگ و بر خورد های حساب شده، برای ما که عمری بی حساب زندگی کرده ایم و بی حساب می میریم، بی حساب دوست می شویم و دشمن می گیریم، حجت بالغه خواهد بود.

این گونه با اصول آشنا شدن و این گونه از استقامت حسین در زندگی اصولی او بهره گرفتن، ما را برای زندگی و مرگ محمدی آماده می سازد. و ما را به زندگی و مرگ هماهنگ و دور از شرک و تبعیض و تبعض می رساند.

نوروزتان یادآور رستاخیز باد.

سردبیر

داشت نمی توانست یزید را ترور کند و از ماجرای کربلا پیش گیری کند؟ چه اصولی بر زندگی این بزرگواران حاکم است که حتی امام زین العابدین می فرماید اگر شمر بن ذی الجوشن شمشیری را که با آن سر پدرم را جدا کرد به امانت به من بسپارد به او باز خواهم گرداند! چه اصولی بر این زندگی حاکم است که ایشان را امیر قدر نشان کرده است و نه ذلیل و ناگزیر. سختم را با نوشته ای از یکی از بزرگان که درباره اصولگرایی عزیز است به پایان می برم با این امید که نوروزی که آغازش اربعین است انشاء الله به نوروزی پیوندد که گفته اند امام زمان (عج) در آن ظهور خواهد کرد. و با این آرزوی نه چندان خام که امیران بر قدرت، هسته مرکزی جذاب ترین و ماندگارترین قصه ها و فیلمنامه های ما باشند.



«با اصول آشنا شدن، با اصول زندگی کردن و در این زندگی گرفتار تبعیض و شرک و التقاط نگشتن، هر سه مشکل است. مشکل است چون من این فرصت بیست سی ساله را و لااقل تا پیش از بلوغ را با عادت با غریزه، با رقابت و حسادت و خودنمایی و تظاهر گذرانده ام. زندگی و بودن و نبودن من بر اینم زیر سؤال نرفته. دوستی ها و دشمنی ها و انتخاب ها و طردهای من، بر اینم با خوشی و ناخوشی و استحسان و استبداد، تفسیر می شده و این تفسیر مقبول بوده و در آن خدش های نیامده، من برای ارتباط و انزوای خودم دلیلی جز حالت ها و خواش ها و یا عادت ها و اتفاق های ساده نداشته ام و دلیلی بیشتر از این هم نمی خواسته ام. و بیشتر از این هم از من نمی خواسته اند.

و طبیعت این گونه زندگی غیر اصولی تناقض، تزلزل، وابستگی به شرایط خارج وابستگی به حالت های نفسانی و درگیری با رقابت ها و تعارض ها و درگیری با تظاهر و چشم و هم چشمی هاست. این آفت های شش گانه طبیعی است.

تناقض طبیعی است چون عوامل خام عادت و غریزه و رقابت و تظاهر، هر کدام سرچشمه های متعدد و هر کدام تقاضاهای متفاوت دارند. عادت ها و تربیت های القا شده از ناحیه پدر و مادر و برادر و استاد می توانند هماهنگ نباشند، عشق و نفرت و حسادت و ریا و تظاهر و قهرمان بازی می توانند در برابر یکدیگر صف بکشند. از یک طرف می خواهم در برابر جمع منتظر پای شکسته رقیبم را به در مانگاه برسانم تا تشویق و تعریف آنها را تصاحب کنم و از طرفی می خواهم این رقیبم از صحنه مسابقه و رقابت طرد شود و من به نتیجه برسم. از طرف دیگر دلم می سوزد و عاطفم آرام نمی گذارد و از طرف دیگر بر خورد

۱. تصور این که پسر بچه ای ۹ ساله را که آخرین فرزند پسر یک خانواده است عدای گانگستر دنبال کند تا تیر خلاص بزند خیلی تکان دهنده است. گویی فرعون ای اما این بار از سیسیل دستور قتل عام پسران و زنده نگه داشتن دختران را صادر کرده است. شاید این ماجرا که هسته اصلی و موتور محرک درام خانواده کورلونه است و برخی از نشانه های دیگر به ارعاعات توراتی پدر خوانده ها برگردد که من واقعاً قصد پرداختن به آنها را ندارم بلکه می خواهم به اصول گرایی حاکم بر جنایت پردازم. تقدیس خانواده آن هم فقط افراد هم خون، تقدیس قدرت که ضامن بقای خانواده است و ارتباطی دوسویه با خانواده دارد با این پیش فرض که دنیا جنگل است و تو باید قوی ترین، پیچیده ترین و حتی با تمهیدات سینمایی مقدس ترین تو حش را مدیریت کنی! ترکیب عناصر انجیلی و توراتی با عدالت خواهی ناشی از یک جنایت فجیع که توجیه جنایت های زنجیره ای می شود آنچنان لایه های تو در تویی به تقدیس قدرت می دهد که ماندگارترین شخصیت ها در آن شکل می گیرند، برخی گفت و گو های کلیدی آن ضرب المثل می شوند و کنایه ای عمیق را پیش رو می گذارند. کورلونه غالب می گفتند: «پیشنهادی می دهم که نتواند رد کند»، این جمله را حتی دیروز (۸۴/۱۲/۲۲) آن هم در جریان پرونده هسته ای ایران در روزنامه خواندم. یکی از کارشناسان روسی در مورد علت هماهنگ شدن روسیه با آمریکا در مقابله با ایران گفته بود که «آمریکایی پیشنهادی به روسیه داد که نتوانست رد کند!» پدر خوانده ها ظاهر آدر شماره ۳ متوقف نخواهند شد!

۲. قبول دارم که سینما بدون جوه دراماتیک، سینما نیست و تم انتقام یکی از جذاب ترین تم های است که هسته مرکزی بسیاری از قصه ها و فیلمنامه هاست، قبول دارم که همین تم انتقام، هم می تواند به سترن مبتدلی چون «بکش تا زنده بمانی» تبدیل شود و هم جوهر جوشان و لایه لایه سه گانه های ماندگار پدر خوانده، شود اما پرسش اساسی من این است آیا شخصیت هایی که ذلیل قدر نشان نیستند عناصر لازم برای یک قصه جذاب مبتنی بر شخصیتی ماندگار را در خود ندارند. مثال می زنم. ترور خلفا در صدر اسلام ظاهراً کار سختی نبوده است، عمر، عثمان، امیر المؤمنین (ع) و بعدا جانانشین عمر و عاص و خود معاویه ترور می شوند و فقط معاویه با زخمی بر کمر از مرگ می رهد. آیا امام حسین (ع) که فدایی ترین یاران را در اختیار